

بررسی نقش عوامل فرهنگی در رضایتمندی از مهاجرت مطالعه موردی شهر ایلام

غلامرضا جعفری نیا (استادیار جامعه شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر؛ نویسنده مسؤول)

jafarinia_reza@yahoo.com

محمد بذرافشان (دانشجوی دکتری جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر)

چکیده

هدف اصلی این مقاله، بررسی نقش عوامل فرهنگی در رضایتمندی از مهاجرت در شهر ایلام می باشد. مطالعات نشان داده اند هنگامی که افراد با یک محیط فرهنگی جدید روبرو می شوند که با فرهنگ بومی آنان تفاوت های اساسی دارد با مشکلات زیادی در سازگاری با آن محیط مواجه می شوند، تا جایی که فشار ناشی از این مساله آنان را دچار نارضایتی های زیادی می کند. داده های این مقاله بر گرفته از جامعه آماری ۱۱۰۰ نفری از طریق پرسش نامه ساختار یافته و مصاحبه با ۳۰۰ نفر به صورت نمونه تصادفی بوده است. برای بررسی پایایی ابزار از آلفای کرونباخ استفاده شد. برای آزمون فرضیه ها از ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل واریانس، و رگرسیون استفاده شد. در این مقاله از میان عوامل فرهنگی به تاثیر فرهنگ پذیری، شبکه های اجتماعی و گرایش های دینی پرداخته شده است. براساس یافته های تحقیق رابطه معنی داری بین رضایت مندی مهاجران و متغیرهای فرهنگ پذیری در مقصد، گرایش های مذهبی، وجود شبکه های اجتماعی در مقصد، مدت اقامت، امکانات آموزشی، امکانات بهداشتی، فاصله بین مبدا و مقصد، رفتار مردم در مقصد رابطه معناداری وجود دارد. نتایج رگرسیون چندگانه نشان می دهد که متغیر وابسته مستقیماً تحت تاثیر متغیرهای فرهنگ پذیری در مقصد، گرایش های مذهبی، شبکه های اجتماعی، تحصیلات، امکانات آموزشی، امکانات بهداشتی، رفتار مردم در مقصد، مدت اقامت و جنسیت قرار گرفته است و در مجموع این متغیرها توانسته اند مقدار ۶۵٪ از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند.

کلیدواژه ها: مهاجرت، رضایتمندی، فرهنگ پذیری، شبکه اجتماعی، ایلام.

مقدمه

جوامع و فرهنگ‌ها در خلال زمان به دلایل گوناگون از جمله مهاجرت^۱ ها، دچار تغییرات می‌شوند. این تغییرات در حوزه‌های متفاوت زندگی اجتماعی انسان‌ها، دارای پیامدهای مختلفی بوده است. در عین حال اثرات و پیامدهای گوناگون نیز به دنبال دارد. شناخت و درک منابع، فرآیند و پیامدهای این تغییرات از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار بوده و در ضمن مستلزم به کارگیری رویکرد و روش علمی مناسب و مقتضی است. از جمله پیامدهای مهاجرت، مساله رضایت‌مندی مهاجران بعد از ورود به فرهنگ دیگر است. در این زمینه شناخت و آگاهی از عوامل فرهنگی می‌تواند ضمن شناخت و درک علمی از این مساله به کاستی مشکلات آن در بین مهاجران کمک نماید.

بشر به عنوان موجودی اجتماعی دارای نیازهای مادی و معنوی پیچیده‌ای بوده و همواره در پی برطرف کردن نیازهای خود می‌باشد. بدین منظور، تقابل‌هایی را بین خود و جامعه‌اش پدید می‌آورد تا به اهداف مورد نظرش دست یابد. در نتیجه، پدیده‌های اجتماعی مختلفی شکل می‌گیرد. نمونه‌ای از این پدیده‌ها، مهاجرت است. منگالم^۲ (۱۹۶۸)، مهاجرت را یک حرکت بالنسبه دائمی عده‌ای از یک مکان به مکان دیگر دانسته، که مقدم بر آن، مهاجران بر اساس سلسله مراتبی از ارزش‌ها یا هدف‌های با ارزشی که تعلیم می‌گیرند، حرکت می‌کنند. نتیجه این حرکت تغییراتی در نظام کنش متقابل مهاجران است (لهسایی زاده،^۳ ۲۰۰۲: ۱۴).

فرهنگ تاثیر عمده‌ای در رضایت‌مندی مهاجران دارد. فرهنگ یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده تمامی رفتارها است، بنابراین به همان اندازه که انگاره‌های فرهنگی متفاوتی در رفتار بهنجار می‌یابیم، بایستی در انتظار یافتن تفاوت‌های فرهنگی خاص در رفتارهای نابهنجار هم باشیم (ایمان و مرادی، ۱۳۸۸: ۳۷).

بسیاری از محققان از جمله لی^۴ و همکارانش (۲۰۰۴)، مورای^۵ (۲۰۰۰)، و چوی^۶ (۱۹۹۷) بر این باورند که مهاجرت افراد از یک محیط جغرافیایی به محیط دیگر در برخی موارد منجر به مشکلات و

1- migration

2- Mangalam

3- Lahsaeizadeh

4- Lee

5- Mori

6- Choi

عدم رضایت مندی مهاجران از جریان مهاجرت منجر می شود. لین و یی^۱ (۱۹۹۷) در روند مهاجرت به جامعه جدید به فشارهای مالی، سیستم حمایت روانی-اجتماعی و مشکلات در روابط شخصی در سازگاری تاکید دارند. مورای (۲۰۰۰) بر این باور است که در جامعه مقصد پنج منبع استرس جهت سازگاری مهاجران وجود دارد که عبارتند از: موانع زبانی، عدم آگاهی، مشکلات مالی، نابسامانی های اجتماعی و اختلالات روانی. مهاجرت، تنها یک نقل و انتقال جغرافیایی نیست، بلکه نوعی انتقال روان شناختی و اجتماعی هم به حساب می آید و می تواند در بسیاری موارد نوعی اندوه فرهنگی برای افراد، جامعه مبدا و جامعه مقصد باشد (دسوزان^۲، ۲۰۰۶: ۱۱).

مهاجرت از یک ناحیه به یک ناحیه دیگر صرف نظر از تأثیری که در شئون زندگی دارد، از نظر فرهنگی دارای مسائلی متعدد خواهد بود و این اساساً ناشی از نحوه تطابق روانی-اجتماعی افراد است که دارای آداب و رسوم خاصی هستند. زمانی که مهاجران با تغییرات و چالش‌هایی چون یادگیری یک زبان جدید، تفاوت های فرهنگی و هنجاری، از دست دادن سرزمین آبا و اجدادی و غمگین شدن به خاطر آن روبرو می شوند، برای آن ها فرایند سازگاری، استرس زا می باشد (مارتا^۳، ۲۰۰۱: ۸۴۱). اگر این افراد در فرآیند فرهنگ پذیری موفق نشوند، دچار فشارهای روانی و استرس می شوند که خود روی سایر شیوه های زندگی مهاجران تأثیر می گذارد (یورنکوسکی^۴، ۱۹۹۸: ۲۱۹؛ هارپام^۵، ۱۹۹۴: ۲۳۴).

در بسیاری موارد مهاجران با محیط‌هایی مواجه می شوند که از نظر فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی با محیط زندگی قبلی آنان تفاوت بسیاری دارد به طوری که آن ها مجبور به پذیرش تغییرات زیادی در رفتار، کردار و گفتار خود برای حفظ سازگاری هستند (مرادی، ۱۳۸۵: ۶). مطالعات نشان داده اند که هنگامی که افراد با یک محیط فرهنگی جدید روبرو می شوند که با فرهنگ بومی آنان تفاوت های اساسی دارد با مشکلات زیادی در سازگاری با آن محیط مواجه می شوند، تا جایی که فشار ناشی از این مساله آنان را دچار استرسهای زیادی می کند (وارد^۶، ۲۰۰۰: ۳۴).

1- Lin & Yi

2 -Desozan

3- Marta

4-Yuorenkoski

5- Harpham

6 - Ward

سازگاری با فرهنگ جدید یا فرهنگ پذیری اشاره به تغییراتی دارد که در فرایند سازگاری با متغیرهای جدید در زندگی ایجاد می شود و مطابق با نظرات جدید صرف تقاضای سازگاری با فرهنگهای جدید و متفاوت می تواند به استرس منجر شود (بری^۱ ۱۹۹۸: ۱۴). بر اساس تئوری های تحلیلی مهاجرت و فرهنگ پذیری، ارتباط بین فرهنگ پذیری و سلامت روانی احتمالاً به عنوان میانجی و واسطه ایجاد دامنه وسیعی از متغیرها شامل پذیرش جامعه میزبان، درجه شباهت بین فرهنگ اصلی و فرهنگ جدید می باشد (ایمان و مرادی، ۱۳۸۸: ۳۸).

از شایع ترین مشکلات گروههای مهاجر می توان به مشکلاتی که این گروهها در کشورهای میزبان با آن ها مواجه هستند اشاره کرد. این مشکلات عبارتند از مشکلات مربوط به دفاع از عقاید شخصی، زبان، چگونگی آشفته شدن مردم، وضعیت مالی خود، ابهام در تشخیص احساس نزدیکی و احساس اجبار در بین اعضای خانواده، نوع تماس و شیوه تماس و ارتباط فیزیکی، استانداردهای زندگی، عقاید مردم در باره دوستی، برهم خوردن نظم خواب و خوراک، چگونگی تشخیص رفتار رسمی و غیررسمی مردم کشور میزبان، چگونگی ابراز عقیده درباره رفتار های ناراحت کننده و ابراز خوشحالی، مقدار خدماتی که افراد در حین ارتباط با یکدیگر انجام می دهند، نوع وسیله نقلیه، نوع سوء تفاهم و شیوه بیان احساسات درباره دیگران و... (ایمان و مرادی، ۱۳۸۸: ۳۹).

وقتی مهاجرت بهترین راه حل قابل قبول برای مشکلات باشد، مهاجرت گزینشی است. مهاجرانی که به صورت انتخابی مهاجرت می کنند، ممکن است روش مهاجران دیگری را که به دنبال خواسته ها و آرزوهای بیشتری هستند، در پیش گیرند. مهاجرت ها در تمام دوران و برای تمام افراد، بیشتر در جهت تعدیل عدم رضایت و رضایت در مبدأ و مقصد بوده است. بدین صورت که عدم رضایت از مبدأ، باعث مهاجرت افراد از آن جا و در نتیجه، کوچ آن ها به منطقه مورد نظرشان که با آن آشنایی دارند و در آن بهتر می توانند به خواسته های مورد نظرشان دست یابند، می شود. رضایت مهاجران در مقصد، به دلیل دستیابی به خواسته های والاتر در زمان های آتی، باعث مدت اقامت بیشتر افراد مهاجر در مقصد می گردد (عظیمی، ۱۳۳۶).

هدف اصلی این مقاله بررسی رابطه بین عوامل فرهنگی و رضایت مندی مهاجران در شهر ایلام است. در این راستا اهداف جزئی تری نیز مد نظر می باشند.

- سنجش میزان رضایتمندی مهاجران
- بررسی تاثیر نگرش های مذهبی بر رضایت مندی مهاجران
- بررسی تاثیر رفتار مردم در مقصد بر رضایت مندی مهاجران
- بررسی تاثیر فرهنگ پذیری در مقصد بر رضایت مندی مهاجران
- بررسی تاثیر دسترسی به امکانات آموزشی و بهداشتی در مقصد بر رضایت مندی مهاجران
- بررسی تاثیر متغیرهای جمعیت شناختی (سن، جنس، تحصیلات، وضعیت تأهل، مدت اقامت، فاصله مبدا و مقصد) بر رضایت مندی مهاجران

مروری بر تحقیقات پیشین

ایمان و مرادی (۱۳۸۸) در مقاله ای با عنوان «بررسی رابطه بین استرس های فرهنگ پذیری و سلامت روانی مهاجران»، به نقش عوامل فرهنگی در سازگاری اجتماعی و روانی مهاجران پرداخته اند. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می دهد که مهاجرانی که در مقصد از راهبرد انطباق یا سازگاری استفاده کرده اند از سلامت روانی و رضایت اجتماعی بالایی برخوردار هستند.

لهسایی زاده و مرادی (۱۳۸۶) در مقاله ای تحت عنوان «رابطه بین سرمایه اجتماعی و سلامت روان در افراد مهاجر در شهر کرمانشاه» به این نتیجه رسیدند که بین سلامت روانی و متغیرهای تحصیلات ($F=0/14$)، سن ($F=0/26$)، مدت اقامت ($F=0/41$)، اعتماد اجتماعی ($F=0/66$)، حمایت اجتماعی ($F=0/51$) و مشارکت اجتماعی ($F=0/48$) رابطه معناداری وجود دارد. نتایج به دست آمده از این مقاله نشان می دهد که رابطه بین دو سازه سرمایه اجتماعی و سلامت روان افراد مهاجر در سطح بالایی معنادار می باشد.

قاسمی (۱۳۷۲) در بررسی انگیزه های مهاجرت روستائیان و عشایر به شهر ایلام، عامل زمین را یکی از عوامل مهم رضایت مندی افراد می داند. نتایج نشان می دهد که اکثر مهاجران علل عدم رضایت و دل زدگی خود را از شهر در درجه اول مشکلات اقتصادی و سپس مسایل فرهنگی و اخلاقی می دانند.

سلیمانی (۱۳۷۳) در بررسی رضایت مندی از زندگی بعد از مهاجرت در میان گروهی از مهاجرین ساکن خمینی شهر، عقیده دارد که مفهوم رضایت مندی از زندگی بیانگر میزان ارضاء تمایلات و نیازهای اساسی بوده است. یافته های حاصل براساس تئوری مازلو نشان می دهد که رضایت مندی

افراد از نیازهای سطوح بالا و به عبارتی نیازهای معنوی در حد قابل توجه بوده و کمبودهای افراد و نارضایتی آن‌ها بیشتر به سطوح پایین و به نیازهای مادی مربوط می‌شود. سایر یافته‌ها نیز نشان می‌دهد که با افزایش سن، خواسته‌ها کمتر شده و رضایت مندی بیشتر می‌شود؛ با افزایش بعد خانوار سطح هزینه‌های زندگی بیشتر شده و رضایت مندی کاهش می‌یابد.

ایمان و مرادی (۲۰۰۹) در مقاله‌ای تحت عنوان بررسی رابطه بین عوامل اجتماعی- فرهنگی با سلامت روانی مهاجران شهر اسلام آباد غرب به بررسی نقش متغیرهایی چون سرمایه اجتماعی، جهت‌گیریهای مذهبی، راهبردهای مقابله و فرهنگ‌پذیری در مقصد، استرس‌های فرهنگ‌پذیری و همچنین نقش متغیرهای جمعیت‌شناختی و ارتباط آن‌ها با سلامت روانی مهاجران پرداخته‌اند. براساس یافته‌های تحقیق رابطه معنی‌داری بین متغیرهای جهت‌گیری‌های مذهبی ($F=0/74$)، راهبردهای مقابله ($F=0/65$) و فرهنگ‌پذیری در مقصد ($F=0/17$) و استرس فرهنگ‌پذیری ($F=0/61$) با سلامت روانی مهاجران وجود دارد (ایمان و مرادی ۲۰۰۹: ۲۱-۴۶).

تامپسون^۱ و همکارانش (۲۰۰۲) تحقیقی با عنوان «زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی سلامت روانی مهاجران فیلیپینی در استرالیا» انجام دادند. نتایجی که از این پژوهش به دست آمده این است که مهاجران زن فیلیپینی در گذار از یک جامعه جمع‌گرا به جامعه‌ای فردگرا با بسیاری از مشکلات و فشارهای روانی و عاطفی گرفتار می‌شوند. حمایت‌های اجتماعی، پیوندهای مشترک مثل هویت فرهنگی، زبان و علائق مشترک می‌تواند در سازگاری آن‌ها و سلامت روانی شان نقش مهمی داشته باشند.

اوتمن و دیگران (۲۰۰۵) تحقیقی با عنوان «نقش متغیرهای جمعیت‌شناختی و نگرش‌های فرهنگ‌پذیری در پیش‌بینی سازگاری اجتماعی و روانی مهاجران در هلند» انجام داده‌اند. نتایج حاصل نشان می‌دهد که نگرش‌های فرهنگ‌پذیری، مدت زمان اقامت در فرهنگ دیگر ارتباط معنادار و مثبتی با نگرش به سوی فرهنگ جامعه میزبان دارد، یعنی هر چه افراد بیشتر در جامعه مقصد باشند، بیشتر نسبت به فرهنگ جامعه میزبان تمایل دارند.

لی و همکارانش (۲۰۰۴) در تحقیقی با عنوان «حمایت اجتماعی به عنوان سپر استرس‌های فرهنگ‌پذیری» به مطالعه سلامت روانی در میان دانشجویان کره در سال ۲۰۰۴ پرداختند. آن‌ها نقش حمایت‌های اجتماعی را در سازگاری دانشجویان به فرهنگ مقصد مورد توجه قرار دادند و به این

1- Thompson

نتیجه رسیدند که این متغیر رابطه مثبتی با سلامت روانی دانشجویان دارد و معتقد بودند که استرس های فرهنگ پذیری رابطه مثبتی با سلامت روانی دانشجویان دارد، از طرفی هم دانشجویانی که از سطح بالایی از حمایت اجتماعی برخوردارند، فشارهای روانی و استرس فرهنگ پذیری کمتری دارند. مقدس و امیری (۲۰۰۶) تحقیقی با عنوان «بررسی سازگاری فرهنگی نسل اول و دوم مهاجران» بر روی مهاجران ترک قشقای ساکن در حاشیه شهر شیراز انجام داده اند. نتایج این تحقیق نشان می دهد که هویت قومی یا نگرش های فرهنگی به سوی مبدا، رضایت اجتماعی، استفاده از رسانه های جمعی محلی، مدت اقامت، سرمایه اجتماعی، محل سکونت قبلی و طبقه اجتماعی مهاجران رابطه معناداری با سازگاری اجتماعی و روانی مهاجران دارد.

رویکرد های نظری

نظریه های مرتبط با موضوع این تحقیق را می توان به سه دسته تقسیم کرد: دسته اول، نظریه هایی که مربوط به مهاجرت می باشند و دسته دوم، نظریه های مربوط به رضایت مندی و دسته سوم دیدگاه های مرتبط با مهاجرت و سازگاری.

نظریه های مهاجرت

از جمله معروف ترین نظریه های مهاجرت کارکردگرایی است. کارکردگرایان بر این عقیده اند که برای باز گرداندن «تعادل» در نظام جامعه، مهاجرت یک امر الزامی است. در بسیاری از کشورها، بعضی مناطق از لحاظ توسعه از سایر مناطق پیشی گرفته و فرصت های مختلفی را برای افراد به وجود می آورند، در حالی که مناطق دیگر عقب مانده شده و توانایی جذب استعدادهای موجود در جامعه خود را ندارند. لذا نیروی اضافی انباشت شده در یک منطقه در پی فرصت های مختلف به مناطقی کشیده می شوند که در آن مناطق فرصت ها بیش از ظرفیت افراد است. از این جهت، مهاجرت از یک سو به مکانیزم تطابق شخصی با تغییرات ایجاد شده بدل می گردد، و از سوی دیگر، تعادل از دست رفته را به جامعه باز می گرداند (لهسانی زاده، ۱۳۶۸: ۱۲-۱۰).

اصطلاح شبکه^۱ در سال ۱۹۵۴ توسط بارنز^۱ مطرح شد. این نظریه فرآیند مهاجرت را به فرد، فرهنگ و پیوندهای اجتماعی بین آن ها نسبت می دهد و معتقد است که در نواحی پذیرای مهاجرت،

این پیوند از طریق دوستی با سایر مهاجران در پیدا کردن شغل و سازگاری با محیط جدید به دست می آید و در نواحی مهاجرفرست از طریق شبکه های شخصی همچون دوستان و همسایگانی که مهاجرت نموده اند، بدست می آید، که این شبکه ها، هزینه مهاجرت را برای تازه واردان کاهش می دهد و علاوه بر این باعث می شود مهاجران بالقوه دست به ترک مناطق خودشان بزنند (مرادی، ۱۳۸۵: ۲۸). طرفداران نظریه شبکه بر این باورند که وجود شبکه های اجتماعی، اعتماد بین افراد و هنجارهای همیاری متقابل را گسترش داده و احتمال حرکت های بین جوامع را افزایش می دهد. این شبکه ها هزینه و خطرات حرکت را کاهش داده و نوعی بازدهی خالص برای مهاجران دارد. وجود این شبکه های اجتماعی در مقصد به عنوان یک حائل در مقابل عامل فشارزای درونی نقش مثبتی بر جابجایی و حرکت افراد می تواند داشته باشد، به نحوی که با فراهم آوردن حمایت های عاطفی، دوستی ها و فرصت هایی برای اعمال اجتماعی معنی دار در قالب سرمایه اجتماعی اثر بسیار مهم و مؤثری روی عزت نفس افراد مهاجر، افزایش توان مقابله افراد مهاجر با مشکلات زندگی، افسردگی ها و در نهایت به احساس سلامت روانی منجر می شود (ایمان و مرادی ۲۰۰۹: ۲۷).

نظریه شبکه

نظریه شبکه بیان می کند که مهاجران پیوندهای بین شخصی بین خود ایجاد می کنند. مهاجران و غیرمهاجران در نواحی مبدأ و مقصد از طریق این پیوندهای خویشاوندی، در دوستی و فعالیت جمعی شرکت می کنند. این شبکه ها احتمال حرکت های بین المللی را افزایش می دهند. زیرا این شبکه ها هزینه و خطرات حرکت را کاهش داده و بازدهی خالص برای مهاجران دارد. بنابر اظهارنظر نظریه پردازان شبکه، شبکه های خویشاوندی و دوستی برای فرآیند مهاجرت خیلی مؤثرند. آن ها نقش شبکه ها را برای فرآیند استقرار و سازگاری مهاجران در جامعه مقصد بیان می کنند که شبکه های اجتماعی، نوعی سرمایه اجتماعی را برای مهاجران فراهم می آورند و کنش متقابلی که بین شبکه های خویشاوندی در بین مهاجران و افراد جامعه میزبان رخ می دهد، می تواند در ارتقاء کیفیت سلامت روانی و در نتیجه زندگی آنها مؤثر واقع شود (لهسایی زاده و مرادی، ۱۳۸۶: ۱۶۶).

نظریه های مربوط به رضایت مندی

نظریه انصاف که اولین بار توسط آدامز^۱ پایه ریزی شد، بر این بنیان استوار است که اشخاص می خواهند با آن ها به عدالت رفتار شود. در این نظریه، انصاف به عنوان باوری که آیا با ما در ارتباط با دیگران به انصاف رفتار شده است؟ تعریف می شود. این نظریه بر مقایسه اجتماعی شامل ارزیابی موقعیت خویش در مقابل موقعیت دیگران تاکید دارد. آدامز مدلی را ارائه می دهد که شامل چهار مرحله است و طی این مراحل ادراکات نابرابر شکل می گیرند. از این مدل می توان برای مرادده بین رضایت مهاجران و غیر مهاجران، استفاده کرد. مدل مزبور که بر سنجش مقایسه ادراکات نابرابر بین مکان های مبدأ و مقصد تاکید دارد، به شکل زیر می باشد:



داده ها در این مدل، بیان گر آن چیزی است که مهاجران به مقصد می دهند و ستاده ها آن چیزی است که شامل جاذبه ها و تسهیلات و خدمات به مهاجران می باشد. در صورت عدم نابرابری بین داده ها و ستاده ها، احساس نابرابری غیر منصفانه ای در شخص مهاجر ایجاد می شود (آدامز به نقل از مورهد و کریفتن^۲، ۱۳۷۴: ۱۱۳).

پورتر^۳ تاکید دارد ما در مقابل کاری که انجام می دهیم، پاداش و پیامدی را از آن کار انتظار داریم دریافت کنیم. در صورت ارزش مندی پاداش و پیامد، ما مبادرت به انجام مکرر آن کار خواهیم کرد. در این نظریه مطلوبیت پاداش، نتیجه انتظار پاداش، احتمال وقوع پاداش و نتیجه توان و استعداد فردی کار حایز اهمیت می باشند. بر طبق این نظریه، بدیهی است که مهاجران در مقابل مسافت طولانی که می پیمایند، خواهان دسترسی به پاداش بیشتری در مقصد می باشند. در صورت دریافت پاداش مورد انتظار در مقابل مهاجرت شان میزان رضایت

1-Adams

2- Morhed and Kriftan

3- Porter

آنان بیشتر و در صورت عدم تطابق پاداش مورد انتظار با مهاجرت شان، میزان پایین تری از رضایت شکل می گیرد (الوانی، ۱۳۷۱: ۱۳۴).

پورتر که معتقد به قضیه محرومیت / غلبه بود. در ارتباط با این قضیه بیان می دارد که قضیه محرومیت و غلبه می تواند بدین شرح بیان شود: هرچه محرومیت یا کمبود یک نیاز بیش تر باشد؛ اهمیت، شدت و آرزومندی یا میل به خواستن آن بیش تر می شود. کمبود معمولاً به عنوان اختلاف میان آن چه انتظار می رود و آن چه به دست می آید، سنجیده می شود (پورتر و سیتزر، ۱۳۷۲: ۸۷).

مازلو^۱ (۱۹۴۳) چنین می گوید: ۱- نیازهای انسان در یک سلسله مراتب اهمیت قرار می گیرند که از پایین ترین آن ها، نیازهای فیزیولوژیک شروع می شود و به ردیف های بالاتر نیاز به تامین امنیت، نیازهای اجتماعی، نیاز به احترام و نهایتاً نیاز به خودشکوفایی ختم می شود. مازلو، نیازهای مربوط به هر طبقه را نیز بیان می کند؛ به نظر او نیازهای فیزیولوژیکی شامل غذا، مسکن، ارضای جنسی است، نیازهای امنیتی یعنی حفاظت در برابر صدمات فیزیکی و عاطفی، نیازهای اجتماعی، عاطفه، عشق و پذیرش هستند، نیازهای احترام دربرگیرنده عوامل ارزشی درونی مانند مناعت طبع، خودمختاری و پیشرفت است و بالاخره، نیازهای خودشکوفایی، یعنی به فعلیت رساندن استعدادهای بالقوه خود، کسب رضایت خاطر، انگیزه دستیابی به خواسته ها بنا بر شایستگی و لیاقت. ۲- انسان پیوسته در حال نیاز است، به محض این که یک نیاز ارضا شود، برتری آن نیاز کاهش می یابد و نیاز دیگری برای جانشینی آن بروز می کند. ۳- هنگامی که نیازی به صورت کامل ارضا شود، آن نیاز دیگر نمی تواند برانگیزنده رفتار باشد. بنابراین، انسان با نیاز سطح بالاتر برانگیخته می شود. ۴- نیازها نه تنها به هم مرتبط بوده، بلکه با یکدیگر در حال درگیری می باشند، بدین خاطر تمام نیازها در هر سطح به ارضای ناقص گرایش دارند. (صص ۳۷۰-۳۸۰)

1- Maslow

نظریات مربوط به سازگاری فرهنگی

روانشناسان اجتماعی و جامعه شناسان شهری بر این باورند که افراد مهاجر در جامعه مقصد تحت شرایطی قرار می گیرند که اغلب متحمل فشارها و استرس های روانی شدید می-شوند، چون فرایند انطباق به گسستگی در الگوهای مرسوم زندگی می انجامد و ممکن است باعث لطمه زدن به ارزش های فرهنگی او در جامعه مبدا گردد (کیوسیتو، ۱۳۸۳). تافت (۱۹۹۷)، همانندگردی را برای تاکید بر فرایندی بکار گرفته که از طریق آن مهاجران به خاطر تماس با جمعیت، تشابه و همسانی بیشتری پیدا می کنند. ردفیلد و همکارانش (۱۹۳۶)، اهمیت تماس های دست اول مداوم را بین فرهنگ های متفاوت را به عنوان عنصر اساسی در فرهنگ پذیری مهاجران مورد توجه قرار دادند. از دیدگاه این افراد، نتیجه این تماس منجر به پذیرش یکی از دو فرهنگ (فرهنگ مقصد یا مبدا) و در نتیجه تغییر در فرهنگ دیگر می باشد (پادیلا^۱، ۲۰۰۳: ۲۳).

پادیلا (۱۹۸۰) و کیف (۱۹۸۷)^۲ فرهنگ پذیری مهاجران در جامعه مقصد را به دو بعد فراساختاری فرهنگ، به نام «آگاهی فرهنگی» و «وفاداری قومی» نسبت می دهند (ایمان و مرادی، ۱۳۸۸: ۴۱). بر اساس این رویکرد، آگاهی فرهنگی، دانش مطلق است که افراد از فرهنگ های مبدا خودشان و فرهنگ جامعه میزبان دارند، این دانش شامل عواملی چون مهارت های زبانی، آگاهی از حوادث تاریخی مهم، نمادهای فرهنگی، فهم و درک شکل های موسیقی و هنری فرهنگ ها و استانداردهای ارزشی و رفتاری می باشد که افراد از خودشان تولید می کنند. وفاداری قومی یا قوم مداری زمانی رخ می دهد که افراد مهاجر آداب و رسوم، سنت ها و فعالیت های گروهی و جمعی خود را ترجیح می دهند. چنانچه این مدل اتفاق بیفتد، فرهنگ پذیری مهاجران سخت تر خواهد بود (ص ۳۸).

1- Padilla

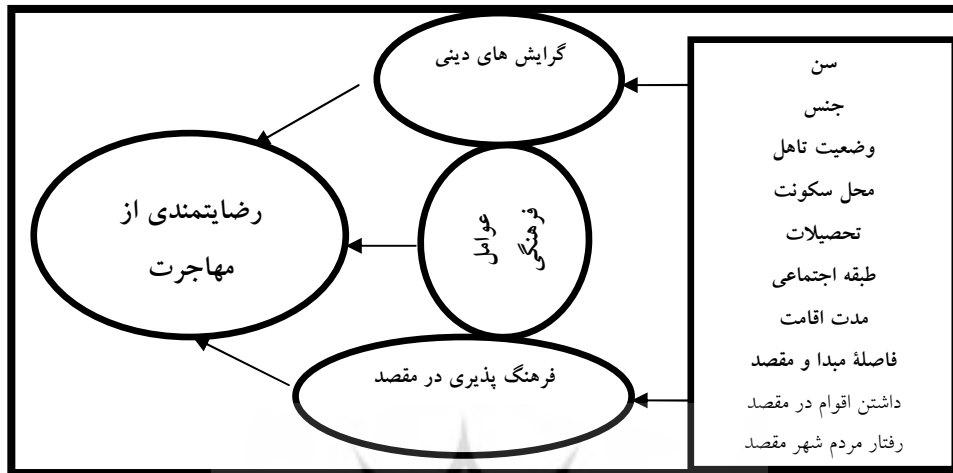
2- Keefe

آلپورت در سال ۱۹۶۶ بحثی با عنوان جهت گیری دینی درون گرایانه^۱ و برون گرایانه^۲ را مطرح کرد. وی بر این باور است که در جهت گیری دینی برون گرایانه، مذهب برای اهداف غیر مذهبی استفاده می شود (مانند حمایت اجتماعی و احساس امنیت). او بر این باور است که افراد با جهت گیری دینی بیرونی به لحاظ درونی دارای باورهای درونی هستند که فقط اهداف ابزاری دارند، و دین به صورت ابزاری برای دست یابی به اهداف و ارزش های برتر از دین انگاشته شده است، هم چون مقابله با مشکلات، و یا پیشرفت زندگی. دین داری بیرونی ابعاد غیرروحانی و سکولار زندگی را برای فرد مقدم از ابعاد معنوی آن می نماید و برای ارزیابی ایمان بالغانه طراحی شده است. اما در جهت گیری داخلی، مذهب به عنوان انگیزه غالبی در زندگی اجتماعی به کار می رود. به تعبیر آلپورت جهت گیری درون گرایانه، کل زندگی را غرق در انگیزش و معنا می کند و الهام بخش عبادت بوده است. برای اشخاص با جهت گیری درونی دینی، نیازهای غیر دینی هر چند مهم باشند، اهمیت غایی کم تری دارند (دزوتز^۳، ۲۰۰۶: ۸۰۹).

آلپورت استدلال می کند که نگرشهای مذهبی تعیین می کنند که چگونه کارکردهای مذهبی به عنوان مکانیزمی برای ارزشیابی و در ارتباط با حوادث استرس زای زندگی به کار می روند. این ارزشیابی می تواند بین نگرشهای مذهبی و سلامتی اتصال برقرار کند. آلپورت بر این باور است که میل و گرایش دینی یک عامل مستقل و خودمختار را در شخصیت انسان بوده و تمام اجزاء دیگر شخصیت را در یک سیستم واحد کلی وحدت می بخشد. او در بحث شخصیت انسان متوجه شد که کل زندگی انسان وابسته به ایمان اوست. به این معنا که هر چه فرد دارای دینداری درونی باشد، سلامت روانی بیشتر دارد، اما هر چه دین را در جهت رفاه و برآورده کردن نیازهای اجتماعی به کار ببرند و به اصل آن توجه نداشته باشند، از رضایتمندی پایینی برخوردارند (مرادی، ۱۳۸۸: ۲۳). نمودار ۱ روابط بین متغیرهای این پژوهش را در قالب مدل تجربی تحقیق نشان می دهد.

-
- 1- Intrinsic Orientation
 - 2- Extrinsic Orientation
 - 3- Dezzutter

نمودار ۱ مدل تجربی تحقیق



فرضیه های تحقیق

- ۱- بین نگرشهای مذهبی و رضایت مندی از مهاجرت رابطه وجود دارد.
- ۲- بین فرهنگ پذیری در مقصد و رضایت مندی از مهاجرت رابطه وجود دارد.
- ۳- بین فاصله مبدا و مقصد و رضایت مندی از مهاجرت رابطه وجود دارد.
- ۴- بین میزان تحصیلات و رضایت مندی از مهاجرت رابطه وجود دارد.
- ۵- بین داشتن اقوام در مقصد و رضایت مندی از مهاجرت رابطه وجود دارد.
- ۶- بین رفتار مردم شهر مقصد و رضایت مندی از مهاجرت رابطه وجود دارد.
- ۷- بین متغیرهای زمینه ای (طبقه اجتماعی، جنسیت، محل سکونت، سن، وضعیت تاهل و مدت اقامت در مقصد) با رضایت مندی از مهاجرت رابطه وجود دارد.

روش شناسی تحقیق

روش این پژوهش پیمایش می باشد. چنین بررسی هایی کم هزینه تر از بررسی های کیفی هستند و انجام آن ها آسان تر است و علاوه بر این، با این تحقیقات می توان سریع تر به نتیجه

رسید (احمدی، ۱۳۸۴: ۱۱۸). هرگاه جامعه مورد نظر از وسعت زیادی برخوردار باشد و دسترسی به تک تک افراد امکان پذیر نباشد و یا اصولاً لزومی هم نداشته باشد، مناسب ترین تکنیک، به کارگیری پیمایش است (لهسانی زاده، ۱۳۸۵: ۴۶). جمع آوری اطلاعات از طریق پرسش نامه انجام گرفته است. جامعه آماری شامل تمام مهاجران ساکن در شهر ایلام می باشد. براساس اطلاعات موجود در سال نامه آماری استان ایلام، این تعداد در سال ۱۱۰۰ نفر می باشد (سال نامه آماری استان ایلام، ۱۳۸۵). برای تعیین حجم نمونه از جدول لین^۱ استفاده شده است (لین، ۱۹۷۴). حجم نمونه ۳۰۰ نفر و روش نمونه گیری، نمونه گیری تصادفی می باشد. پرسش نامه ها بصورت تصادفی بین نمونه آماری توزیع شده است.

در پژوهش حاضر از اعتبار ملاک^۲ و اعتبار صوری استفاده شده و برای سنجش پایایی ابزار سنجش (پرسش نامه)، ضریب آلفای کرونباخ محاسبه گردیده است، گویه ها از مطالعات انجام شده در کشورهای دیگر و همچنین مطالعاتی که در داخل کشور انجام شده، اقتباس شده اند و پس از تغییرات و سازگار نمودن آن ها با وضعیت ایران، گویه های مناسب انتخاب شدند. آلفای کرونباخ برای میزان رضایت مندی با تعداد ۱۰ گویه برابر ۹۰ درصد، فرهنگ پذیری با تعداد ۸ گویه ۷۶ درصد، گرایش های دینی با ۱۰ گویه برابر ۷۷ درصد و برای شبکه های اجتماعی با تعداد ۹ گویه برابر ۸۰ درصد می باشد. جهت اعتبار طیف های به کار گرفته شده در سنجش متغیرها، از اعتبار ملاک استفاده شده است. در جهت اعتبار ملاک برای هر طیف، سنجه هایی معتبر و جا افتاده در نظر گرفته شده، که این گویه ها در پرسش نامه برای هر طیف به صورت یک سوال کلی در رابطه با همان طیف وارد شده و به پاسخ گویان گفته شد، تا بر حسب موافقت یا مخالفت با آن گویه، نمره ای از صفر تا ۲۰ انتخاب کنند. از آن جایی که این نمره به صورت فاصله ای وارد شده است، لذا همبستگی آن با گویه های هر طیف محاسبه شده است، که در نتایج این ضریب برای رضایت مندی ۰/۸۳، نگرش های دینی ۰/۴۴، شبکه های اجتماعی ۰/۵۱ و فرهنگ پذیری ۰/۶۹ بدست آمد.

1- Lin s Table

2 - Criterion Validity

تعریف مفاهیم

مهاجرت

مفهوم مهاجرت دربرگیرنده چهار بعد ویژه است: تغییر در مکان، اقامت گاه، زمان و فعالیت. تغییر در مکان به این معنی است که مفهوم مهاجرت، بیان گر جابه جایی از یک مکان به مکان دیگر است که همراه با تغییر منطقه و حرکت در فاصله مشخصی باشد. معیار اقامت گاهی نیز بیان گر حرکتی است برای ماندن در جای دیگر. سومین نمود جابه جایی جمعیت، بعد زمانی آن است. چه مدت باید کسی از محلی دور باشد تا مهاجر به شمار آید و بالاخره چهارمین بعد تغییر در مکان فعالیت است (اوبرای، ۱۳۷۰: ۴۹-۴۲).

رضایت مندی

رضایت از زندگی زمانی میسر می شود که شاخص های اجتماعی به صورت ذهنی یا عینی مطابق با خواسته های فرد باشد. رضایت از زندگی به عنوان ارزیابی از شرایط مسلط یا جنبه های متنوع در زندگی یک شخص در زمان گذشته می باشد. همچنین مقایسه ها بر اساس شرایط زندگی مردم دیگر می باشد، زمانی که مردم زندگی خود را با دیگران مقایسه می کنند. بنابراین، اگر افراد شرایط مورد نظر را در زندگی دریافت دارند، رضایت و لذت روانی خواهند داشت (کریستوفر، ۲۰۰۰).

دیگر متغیرها

در این تحقیق به منظور سنجش متغیرها به صورت ذیل اقدام گردیده است: سن به صورت باز و در سطح سنجش فاصله ای بررسی شده است. وضعیت تاهل به صورت اسمی دو مقوله ای (مجرد، متاهل)، مدت اقامت در مقصد به صورت فاصله ای، فاصله بین مبدا و مقصد برحسب کیلومتر، میزان تحصیلات به صورت متغیر فاصله ای، داشتن اقوام در مقصد با دو گویه، رفتار مردم در مقصد با سه گویه، امکانات بهداشتی مقصد با سه گویه و بهداشتی مقصد با سه گویه، شبکه اجتماعی با ۹ گویه، نگرش های مذهبی با ۱۰ گویه و

فرهنگ پذیری در مقصد با ۸ گویه و در نهایت متغیر وابسته رضایتمندی با ۱۰ گویه در قالب طیف لیکرت به صورت فاصله ای سنجش شده اند.

یافته های تحقیق

داده های تحقیق حاصل استخراج پرسش نامه هایی است که توسط ۴۰۰ نفر مهاجر مستقر در شهر ایلام تکمیل گردیده و اساس تجزیه و تحلیل یافته های پژوهش حاضر قرار گرفته است. پس از پایان یافتن کار گردآوری داده ها، نتایج خام به کامپیوتر انتقال یافت و سپس با استفاده از نرم افزار آماری برای علوم اجتماعی^۱ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته اند. تجزیه و تحلیل داده ها به وسیله شاخص های آمار توصیفی، جداول متقاطع ضرایب همبستگی، تحلیل واریانس، رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر صورت گرفت.

میانگین سنی پاسخگویان در این تحقیق ۴۲/۲۸ سال بوده است. بیشترین سنی که در میان پاسخگویان بیشترین فراوانی را داشته است، سن ۴۰ سال بوده است. پایین ترین سن ۱۵ سال و بالاترین آن ۸۵ سال بوده است. افراد متاهل ۲۲۵ نفر (۸۷ درصد از کل پاسخگویان) و مجردها تنها ۱۳ درصد از پاسخگویان را تشکیل می دهند. بیش ترین میزان مدت اقامت در مقصد، مدت اقامت تا ۱۰ سال است. میانگین مدت اقامت مهاجران در مقصد ۶ سال بوده است. فاصله بین مبدا و مقصد در این تحقیق بر حسب کیلومتر پرسیده شده است. میانگین فاصله بین مبدا و مقصد ۷۸ کیلومتر می باشد. متغیر دیگر در این تحقیق تحصیلات است که میانگین آن برای پاسخ گویان ۱۱ کلاس بوده است. متغیر دیگر داشتن اقوام در مقصد است؛ مشاهده می شود که از ۱۰ نمره ممکن، نمره ۶ بیش ترین تکرار را داشته است. میانگین ۵/۲ مربوط به این متغیر است. متغیر دیگر رفتار مردم در مقصد است. نتایج نشان می دهد که میانگین رضایت مهاجران از رفتار مردم شهر ایلام کم تر از حد متوسط است. یعنی تقریباً مهاجران از رفتار مردم ایلام رضایت دارند. اما این رضایت در حد پایینی است و در مقدار بالا نیست.

^۱.Statistical Package for Social Science

میانگین نمره فرهنگ پذیری در مقصد برابر ۲۰/۲۶ می باشد که از متوسط آن پایین تر است و نشان دهنده عدم فرهنگ پذیری مناسب در مقصد است. متغیر دیگر رضایت مندی است. با توجه به میانگین ۱۴/۲ میزان رضایت از مهاجرت در میان پاسخ گویان پایین است و با توجه به واریانس ۶/۰۶ می توان چنین گفت که اکثر پاسخ گویان نظرات نسبتاً مشابهی دارند. متغیر دیگر مربوط به گرایش های دینی است. این طیف شامل ۱۰ گویه می باشد. جمع نمرات بالقوه می تواند بین نمره ۱۰ (حداقل نمره) و نمره ۵۰ (حداکثر نمره) باشد. میانگین کل نمره او از این گویه ۳۴ بدست آمد که نشان دهنده گرایش نسبتاً زیاد در ارتباط با این گویه می باشد. جمع نمرات بدست آمده از این ۱۰ گویه میزان گرایش های دینی بین مهاجران در حد بالا را نشان می دهد. میانگین بدست آمده از کل گویه ها برابر (۳۴/۱۲) می باشد که از میانگین مورد انتظار (۳۰) که نشان دهنده گرایش در حد متوسط است، بالاتر است.

آزمون فرضیه ها

آزمون فرضیه های تحقیق با استفاده از دو تکنیک آماری، ضریب همبستگی پیرسون و مقایسه میانگین ها انجام گرفت. جهت آزمون فرضیه هایی که متغیرهای مستقل آن ها در سطح سنجش اسمی قرار دارد، از آزمون T (برای مقایسه دو میانگین) استفاده شده است. نتایج بدست آمده از آزمون T مستقل در جدول ۱ آمده است. همان طور که در جدول آمده است، رابطه معناداری بین این دو متغیر وجود دارد. به این معنا که میانگین نمره رضایت مندی از مهاجرت در میان مرد و زن با هم تفاوت دارد و میانگین میزان رضایت مندی برای گروه مردان بیش تر از زنان می باشد. این تفاوت مشاهده شده براساس آزمون T در سطح حداقل ۹۵ درصد معنادار است.

جدول ۱ آزمون تفاوت میانگین رضایتمندی بر حسب جنس افراد نمونه

جنسیت	میانگین	انحراف معیار	مقدار T	سطح معنی داری
زن	۲۷/۱۳	۱۱/۸۱		
مرد	۴۵/۹۶	۱۴/۵۱	۹/۱۱۳	۰/۰۰۰

جدول ۲ ضریب همبستگی بین فرهنگ پذیری در مقصد و میزان رضایت مندی مهاجران را نشان می دهد. نتایج حاصل از این ضریب نشان می دهد که بین دو متغیر مذکور رابطه معنادار وجود دارد به این معنا که هرچه در جامعه بیشتر احساس همبستگی با جامعه میزبان داشته باشند، بیشتر در فعالیت های اجتماعی آن جامعه مشارکت می کنند. با توجه به نتایج جدول متغیر فوق در سطح حداقل ۹۵ درصد معنادار بوده و قابل پذیرش می باشد.

جدول ۲. ضریب همبستگی بین فرهنگ پذیری در مقصد و میزان رضایتمندی مهاجران

نام متغیر	میانگین	انحراف معیار	ضریب همبستگی	معنی داری
فرهنگ پذیری در مقصد	۲۰/۲۶	۷/۱۶	۰/۶۸	۰/۰۰۰

جدول ۳ ضریب همبستگی بین گرایش های مذهبی و میزان رضایت مندی مهاجران را نشان می دهد. نتایج حاصل از این ضریب نشان می دهد که بین دو متغیر مذکور رابطه معنادار وجود دارد به این معنا که هرچه در جامعه بیشتر احساس مذهبی بودن کنند، بهتر با آن شرایط اجتماعی سازگار خواهند شد. با توجه به نتایج جدول متغیر فوق در سطح حداقل ۹۵ درصد معنادار بوده و قابل پذیرش می باشد.

جدول ۳. ضریب همبستگی بین گرایش های مذهبی و میزان رضایت مندی مهاجران

نام متغیر	میانگین	انحراف معیار	ضریب همبستگی	معنی داری
گرایش های مذهبی	۳۴/۱۲	۱۲/۸۶	۰/۴۶	۰/۰۰۰
مدت اقامت	۱۰/۱	۴۷/۹۶	۰/۴۴	۰/۰۰۰

در ادامه جدول ۳ ضریب همبستگی بین مدت اقامت و میزان رضایت مندی مهاجران ارائه شده است. ضریب به دست آمده برابر ۰/۴۴ فرضیه را تایید می کند، به این معنا که هر چه مدت اقامت افراد مهاجر در مقصد بیشتر باشد، رضایت مندی آن ها با جامعه مقصد بیشتر خواهند شد.

جدول ۴ آزمون تفاوت میانگین نمره رضایت مندی مهاجران بر حسب هویت طبقاتی نشان می دهد، نتایج به دست آمده نشان می دهد که تفاوت معناداری وجود دارد. داده های جدول نشان می دهد که میانگین نمره رضایت مندی مهاجران افرادی که در طبقات بالای جامعه زندگی می کنند برابر ۲۰/۷۷، آن هایی که در طبقات میانی زندگی می کنند برابر ۱۳/۱۱ و افرادی که در طبقات پایین جامعه زندگی می کنند برابر ۱۰/۳۴ می باشد. نتایج نشان می دهد که تفاوت مشاهده شده بین میانگین های در هر طبقه با هم متفاوت است و این تفاوت مشاهده شده براساس آزمون F با مقدار ۱۱/۱۵ و سطح معنی داری ۰/۰۰۰ فرضیه مذکور را در سطح حداقل ۹۵ درصد تایید می کند.

جدول ۴- آزمون تفاوت میانگین نمره رضایت مندی مهاجران بر حسب هویت طبقاتی

هویت طبقاتی	میانگین	انحراف معیار	مقدار F	معنی داری
طبقه بالا	۲۰/۷۷	۹/۹۵	۱۱/۱۵	۰/۰۰۰
طبقه میانی	۱۳/۱۱	۶/۲۹		
طبقه پایین	۱۰/۳۴	۶/۱۰		

جدول ۵- توصیف متغیرهای مستقل و همبستگی آن ها با رضایت مندی مهاجران

متغیر	میانگین	انحراف معیار	همبستگی	معناداری
سن	۴۲/۲۸	۷/۹۹	۰/۳۸	۰/۰۰۷
تحصیلات	۱۱/۳۱	۵/۵۷	۰/۶۵	۰/۰۰۰
فاصله مبدا و مقصد	۷۸/۱۲	۳۲/۸۶	-۰/۶۷	۰/۰۰۰
رفتار مردم در مقصد	۵/۰۲	۲/۱۱	۰/۳۷	۰/۰۰۹
امکانات بهداشتی مقصد	۵/۱۸	۳/۸۶	۰/۴۱	۰/۰۰۰
امکانات آموزشی مقصد	۵/۵۵	۲/۱۱	۰/۳۹	۰/۰۰۸

قابل ذکر است که بین متغیرهایی چون محل سکونت و وضعیت تاهل و منزل مسکونی با میزان رضایت مندی در جمعیت مورد مطالعه رابطه معناداری وجود نداشته و متغیرهای فوق نیز رد شده اند. لذا از ذکر آن خودداری شده است.

رگرسیون چندگانه

رگرسیون می تواند از طریق مشارکت عده ای از متغیرهای مستقل متغیر وابسته را تبیین و اثرات نسبی هر یک از آن ها را روی متغیر وابسته مشخص کند. یکی روش های ساخت مدل رگرسیونی ورود گام به گام^۱ متغیرهای مستقل است. در این روش متغیرهای مستقل به ترتیب میزان اهمیت در تبیین متغیر وابسته وارد معادله می شوند و متغیرهایی که تاثیری در توضیح متغیر وابسته نداشته باشند، خارج می گردند. برای استفاده از این روش متغیرهای اسمی به صورت تصنعی^۲ وارد تحلیل شده اند.

جدول ۶ معادله رگرسیونی مربوط به پیش بینی متغیر وابسته رضایت مندی مهاجران می باشد. در این جا کل متغیرهای مستقل زمینه ای و مستقل واسطه ای به شیوه گام به گام وارد معادله شدند و متغیرهای فرهنگ پذیری در مقصد، گرایش های مذهبی، مدت اقامت، تحصیلات و جنسیت و سایر متغیرهایی که در جدول آمده اند، به ترتیب میزان اهمیتی در تبیین متغیر وابسته داشته اند، وارد معادله رگرسیونی شده اند و سایر متغیرها خارج از معادله قرار گرفتند. البته باید ذکر کرد که عدم ورود متغیرهای خارج از معادله لزوماً به معنی کم اهمیت بودن آن ها نمی باشد. بلکه ممکن است به دلیل وجود همبستگی بین متغیرهای خارج از معادله با متغیرهای درون معادله صورت می گیرد. زیرا در روش مرحله به مرحله هدف انتخاب بهترین متغیر یا متغیرها برای پیش بینی می باشد. همانطور که در جدول ۷ ملاحظه می شود، آزمون T نشان می دهد که ضریب بتا برای این ۷ متغیر حداقل در سطح ۹۵ درصد اطمینان از لحاظ آماری معنادار است.

اولین متغیری که در معادله رگرسیونی وارد شده است، فرهنگ پذیری در مقصد می باشد. نتایج حاصله نشان می دهد که بین این متغیر و رضایت مندی مهاجران همبستگی بالایی وجود دارد، به طوری که مقدار T برای این متغیر برابر $۶/۱۶$ و معنی داری $۰/۰۰۰$ می باشد. در این مرحله میزان ضریب تعیین برابر با $R^2 = ۰/۲۳$ بدست آمده است. در مرحله دوم با وارد شدن دومین متغیر یعنی گرایش های مذهبی ضریب همبستگی چندگانه مدل برابر $۰/۵۲$ بدست آمده

-
- 1- Stepwise
 - 2- Dummy

است. مقدار T برای این متغیر برابر $۳/۱$ و معنی داری برابر $۰/۰۰۲$ می باشد. در این مرحله میزان ضریب تعیین برابر با $۰/۳۸$ به دست آمده است. در مرحله سوم مدت اقامت وارد معادله شد. مقدار T برای این متغیر برابر $۴/۲۸$ و معنی داری $۰/۰۰۲$ می باشد. در این مرحله میزان ضریب تعیین برابر با $R^2 = ۰/۴۱$ به دست آمده است. در گام چهارم با وارد شدن داشتن اقوام در مقصد مقدار T برابر $۵/۳۵$ و معنی داری $۰/۰۰۰$ شد. در این مرحله میزان ضریب تعیین برابر با $R^2 = ۰/۴۷$ به دست آمده است. در گام پنجم با وارد شدن متغیر رفتار مردم در مقصد ضریب همبستگی چندگانه مدل $۰/۲$ به دست آمده است. مقدار T برای این متغیر برابر $۶/۲۳$ و معنی داری برابر $۰/۰۰۰$ می باشد. در این مرحله میزان ضریب تعیین برابر با $۰/۴۹$ به دست آمده است. در گام ششم با وارد شدن تحصیلات مقدار T برابر $۴/۲۲$ و معنی داری برابر $۰/۰۰۲$ شد. در این مرحله میزان ضریب تعیین برابر با $۰/۶۵$ به دست آمده است. در نهایت با وارد شدن هفتمین متغیر یعنی جنسیت مقدار T برای این متغیر برابر $۲/۸۴$ و معنی داری $۰/۰۲۱$ می باشد. در این مرحله میزان ضریب تعیین برابر با $۰/۶۵$ به دست آمده است.

آماره F معنادار است و این گویای این امر است که حداقل یکی از متغیرهای مستقل در پیش بینی متغیر وابسته مؤثر است. پس باید تک تک متغیرها را با استفاده از T آزمود. معنی دار بودن F به این معنی است که به طور حتم بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته رابطه خطی مستقیمی وجود دارد.

جدول ۶ - عناصر متغیرهای درون معادله برای پیش بینی سازگاری اجتماعی مهاجران

گام	متغیر	بی	بتا	آماره تی	معنی داری	ضریب تعیین
۱	فرهنگ پذیری در مقصد	۰/۴۹	۰/۳۳	۶/۱۶	۰/۰۰۰	۰/۲۳
۲	گرایش های مذهبی	۰/۴۷	۰/۳۰	۳/۱	۰/۰۰۷	۰/۳۸
۳	مدت اقامت	۰/۵۴	۰/۲۶	۴/۲۸	۰/۰۰۲	۰/۴۱
۴	داشتن اقوام در مقصد	۱/۲۷	۰/۴۱۵	۵/۳۵	۰/۰۰۰	۰/۴۷
۵	رفتار مردم در مقصد	۰/۶۴	۰/۱۱۵	۶/۲۳	۰/۰۰۰	۰/۴۹
۶	تحصیلات	۰/۱	۰/۱۷	۴/۲۲	۰/۰۰۲	۰/۶۳
۷	جنسیت	۰/۴۷	۰/۱۹	۲/۸۴	۰/۰۲۱	۰/۶۵

$F = ۸/۵۳$ ثابت معادله؛ $F = ۲۵/۰۷۶$ آماره F ؛ $F = ۰/۰۰۰$ معنی داری مدل

نتیجه گیری و بحث

بالا بردن رضایت مندی از مهاجرت با بحث جلوگیری یا کاهش مهاجرت مغایرت دارد. این امر به آن معنی است که ما چه بخواهیم و چه نخواهیم مهاجرتی صورت گرفته است و این مهاجرت نیز چه بخواهیم و چه نخواهیم دارای تبعات مثبت و منفی خواهد بود که موضوع بحث این گفتار نیست. اما این نگرش که برای جلوگیری از مهاجرت می بایست، مهاجران را در وضعیت نامناسبی قرار دارد، دیدگاهی کاملاً غیر انسانی است - هر چند که اجرای آن شاید در ذهن مسوولان نباشد. دو موضوع «عوامل موثر بر مهاجرت و جلوگیری از کاهش آن، به منظور به حداقل رساندن آسیب های اجتماعی و حتی ملی» و بحث «رضایت مندی از مهاجرت»، را می بایست از هم تفکیک کرد و جداگانه مورد بررسی قرار داد. در بحث اول، باید تلاش کرد مهاجرت ها به شهرها کاهش یابد چون می دانیم اکثر آن ها از مناطق روستایی و کشاورزی صورت می گیرد و به شغل های کاذب در شهر می انجامد. در بحث دوم، رضایت از مهاجران را باید مد نظر قرار دهیم و با نگرشی انسانی و حتی برای جلوگیری از آسیب های بیشتر «مهاجرت»، سعی کنیم که رضایت از مهاجرت را به میزان ممکن بالا ببریم.

با وجود این که در این تحقیق اشاره شد که مهاجرت علی رغم این که اگر بی رویه صورت گیرد، به خصوص از مناطق روستایی به شهری، موجب افت اقتصاد در بخش کشاورزی و در نهایت مشکل برای کشور می شود، اما فوایدی نیز برای مهاجران دارد. این تحقیق نشان داد مهاجرت، حداقل برای خود مهاجران، فوایدی دارد. مثلاً، مهاجران از کمبود امکانات بهداشتی در مقصد، گلایه داشتند و امکانات آموزشی مقصد را نیز خوب ارزیابی نکرده بودند و در نهایت میزان رضایت آن ها از مهاجرت کم بود. با این حال، این سوال به وجود می آید که چرا با وجود این که «مهاجران رضایت کمی از مهاجرت خود دارند، باز حاضر به ترک مقصد نیستند» و به سکونت خود در شهر ادامه می دهند. برای پاسخ به این سوال باید به نظریه های هومنز و پورتر اشاره کرد و در نهایت چنین نتیجه گرفت، که مهاجران، با وجود عدم رضایت خود از مهاجرت، باز حاضرند شرایط جامعه مقصد را تحمل

کنند، زیرا در مقصد امکاناتی و به قول هومنز «پاداش هایی» وجود دارد که در جامعه مبدأ، مهاجران از آن برخوردار نبودند. بنابراین و بطور کلی، یک فرد مهاجر، ترجیح می دهد که نارضایتی از مهاجرت خود را داشته باشد، ولی به صورت مهاجر باقی بماند، زیرا جامعه مقصد به او امکاناتی را می دهد که در جامعه مبدأ از آن برخوردار نبوده است.

به طور کلی، با توجه به این که اکثر مهاجران امکانات آموزشی جامعه مقصد را متوسط و امکانات بهداشتی آن را نسبتاً ضعیف دانسته اند و از نظر درآمد اکثر مهاجران درآمد متوسطی داشته اند، باید از آن جا بگریزند و به شهر یا شهرستان های دیگری که هزینه زندگی در آن جا پایین است، روی آورند و یا به مناطق اصلی خود باز گردند. در صورتی که واقعاً چنین نیست و آن ها تمایلی به بازگشت به هیچ منطقه ای نشان نمی دهند. پس می توان به یک عامل اساسی و کلیدی اشاره کرد و آن امکان دسترسی به امکانات خدماتی و رفاهی و یا ثروت بیشتر در زمان های آتی برای فرزندان و خانواده هایشان است.

در این تحقیق، برخی از عوامل موثر بر «رضایت مندی از مهاجرت» شناسایی شدند. حال اولاً، هم برای بهبود وضعیت زندگی مهاجران به طور اخص - هر چند که هر امکاناتی که در این زمینه به وجود بیاید در نهایت کل مردم و نه تنها مهاجران از فواید آن بهره خواهند گرفت- و ثانیاً - که مهم تر از مورد اول است - این که برای کاهش آسیب های ناشی از مهاجرت، می بایست اقداماتی صورت گیرد و سعی شود که رضایت مندی از مهاجرت، برای جلوگیری از کاهش آسیب های ناشی از مهاجرت بالا رود. با توجه به نتایج تحقیق می توان پیشنهادات و راهکارهایی در این راستا ارائه داد.

- ۱- بالا بردن امکانات بهداشتی. متولیان امر می بایست در حومه شهر ایلام اقدامات بیش تری برای تاسیس درمانگاه و مراکز بهداشتی انجام دهند. علی رغم چنین ضرورتی، وجود تنها یک بیمارستان در کل شهرستان ایلام و حومه مانع از خدمات رسانی به موقع و مناسب به مردم شهرستان خصوصاً مهاجران است که به امید خدمات بهداشتی به تر به این مکان آمده اند.
- ۲- بهبود کیفیت کردن مراکز آموزشی نیز از ضرورت های اولیه زندگی اجتماعی است.

۳- رسیدگی به امور رفاهی، اقتصادی، بهداشتی مناطق حومه شهر ایلام با هدف جلوگیری از مهاجرت ها و نیز بهبود رضایت از زندگی فرد مهاجر به خاطر به تر شدن کیفیت زندگی سایر افراد خانواده او در مبدا.

۴- پیشنهاد برای تحقیقات آینده: سوالات پرسشنامه تا آن جا که مقدور می باشد، نباید کلمه مهاجرت را در خود داشته باشند. زیرا مهاجران نسبت به این کلمه پیش داوری دارند و با این کلمه خود را جدا از جامعه ای که در آن زندگی می کنند، فرض خواهند کرد. در نتیجه کسب اطلاعات به وسیله پرسشنامه با مشکلاتی همراه خواهد بود.

فهرست منابع

- اوبرای، آماجیت (۱۳۷۰). مهاجرت، شهرنشینی و توسعه، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: موسسه کار و تامین اجتماعی.
- ایمان، محمدتقی و گلمراد مرادی (۱۳۸۸). "بررسی رابطه بین راهبردهای فرهنگ پذیری و سلامت روانی مهاجران شهر کرمانشاه". *مجله علمی - پژوهشی علوم انسانی جامعه شناسی کاربردی دانشگاه اصفهان*، سال بیستم، شماره ۱، صص ۳۵-۵۸.
- پورتر، لیمن دلیو و ریچارد. ام سیترز (۱۳۷۲)، انگیزش و رفتار در کار، ترجمه سید امین الله علوی، جلد اول، ناشر: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- سالنامه آماری استان ایلام (۱۳۸۵)، ایلام: سازمان مدیریت و برنامه ریزی.
- سلیمانی درچه، براتعلی (۱۳۷۳). *بررسی رضایتمندی از زندگی بعد از مهاجرت در میان گروهی از مهاجرین ساکن خمینی شهر. پایان نامه کارشناسی ارشد*، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم انسانی.
- صدیق سروستانی، رحمت ا. (۱۳۸۰). "انسان و شهرنشینی"، نامه علوم اجتماعی، دانشگاه تهران: جلد دوم، شماره ۱، صص ۱۹۸-۲۲۶.
- عظیمی، رضا (۱۳۳۶). «بررسی وضع روستای شهرباب (توابع اردستان) در پانزده سال گذشته». *پایان نامه کارشناسی*، تهران: دانشگاه تهران: دانشکده علوم اجتماعی.

- قاسمی، یارمحمد (۱۳۷۲). «بررسی انگیزه های مهاجرت روستاییان و عشایر به شهر ایلام». پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تهران: دانشکده علوم اجتماعی.
- کیوسیتو، پیترو (۱۳۸۳). اندیشه های بنیادی در جامعه شناسی. ترجمه منوچهر محسنی، تهران: نشرنی.
- لهسایی زاده، عبدالعلی (۱۳۶۸). نظریات مهاجرت، شیراز: انتشارات نوید.
- لهسایی زاده، عبدالعلی و گلمراد مرادی (۱۳۸۶). «بررسی سرمایه اجتماعی و سلامت روان»، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی. سال هفتم، شماره ۲۶، صص: ۱۶۱-۱۸۰.
- لهسایی زاده، عبدالعلی (۱۳۸۵). جامعه شناسی آبادان، تهران: کیان مهر.
- مرادی، گلمراد (۱۳۸۵). «بررسی عوامل اقتصادی-اجتماعی مرتبط با کیفیت سلامت روانی مهاجران: مورد مطالعه اسلام آبادغرب»، پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی پروفسور ایمان، دانشگاه شیراز، دانشکده علوم اجتماعی.
- الوانی، مهدی (۱۳۷۱). مدیریت عمومی، تهران: نشر نی.

- Berry, J. W. (1998). "Acculturation stress". In P.B Organista & K.M.Chun Eds.), Reading in Ethnic Psychology, New York: Routledge.
- Christopher, Rimerly (2000). "Determinants of psychological well-being in Irish immigrants." Western of Nursing Research, Vol. 22. No. 2. p 21.
- Desouza, R. (2005). "Migration and Mental Health". Migrant News, Vol. 3, No. 22, p. 16.
- Harpham, T. (1994). "Urbanization and mental health in developing countries: a research role For social scientists, public health professional and social psychiatrists". Social Science And Medicine, Vol. 39, pp. 233-245.
- Iman, M.T. and Moradi, G. (2009). The Socio-economic Factors Related to Migration 's Mental Health in Iran: Islam Abad as a Case Study. Journal of Population, Vol. 15, No. 1, pp. 21-46.
- Lahsaeizadeh, A. (2002). "Migration and Urbanization", Shiraz: Zar Publication.
- Lee, J. S. & et al. (2004). "Social Support buffering of acculturation stress: A Study of mental health symptoms among Korean international students". International of intercultural relations, Vol. 28, pp. 399-414.
- Lin, N. (1974). "Foundation of Social Research", New York: MC Graw. Hill.

- Marta, Y. Y.(2001). "Moderators of stress in Salvadoran refugees: the role of social and personal resources". *International Migration Review*, Vol .35 , No .3, pp. 840-869.
- Maslow, Abraham H (1943). "A theory of human motivation: explains the five needs and their relationship." *Psychological Review*, July, pp 370-396.
- Moghaddas, A. A & Amiri, A. M.(2006). The process of adjustment/acclturation of first and second generation of migrants: The case of nomad Qashghae Turks migrants in Shiraz, Iran, European population conference Liverpool, UK, 21ST-24TH. June2006.
- Otmame, A. O. & Van D Vijver, F. R.(2005). "The role of demography variable and acculturation attitudes in predicting sociocultural and psychological adaptation in Moroccans in the Netherlands". *International Journal of Intercultural Relations*, Vol. 29, pp. 251-272.
- Padilla, M. A. & Perez, W.(2003). "Acculturation, Social identity and Social Cognition: A New Perspective". *Hispanic Journal of Behavioral Sciences*, Vol. 25, No. 1, pp. 35-55.
- Thompson, S. & et al.(2002). "The social and cultural context of the mental health of Filipinas in Queensland". *Australian and New Zeland Journal of Psychology*, Vol. 36, pp. 681-687.
- Ward, C. Kennedy, A.(2000). "Immigration mental and psycal health". *Psychology and developing societies*. Vol. 4, pp. 173-131.
- Yuorenkoski, M.& et al.(1998). "Long-term mental hearth outcome of returning migrant children and adolescents". *European Child and Adolescent Psychiatry*, Vol. 7, pp. 219-224.